



تاریخ

زمان وقوع یک پدیده را، تاریخ گویند. از عنوان تاریخ در **فقه** در باب‌هایی نظیر **طهارت**، **حج**، **نکاح** و **ارث** و نیز در **اصول فقه** سخن رفته است.

فهرست مندرجات

۱ - معنای تاریخ

۲ - احکام تاریخ از بعد فقهی

۳ - احکام تاریخ از بعد اصولی

۴ - پانویس

۵ - منبع

معنای تاریخ

الف) تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان یک رخداد است.
ب) تاریخ در اسلام، رخداد مهم **حجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله** از **مکه** به **مدینه**، مبدأ تاریخ **مسلمانان** قرار داده شده که به دو گونه ی **قمری** و **شمسی** محاسبه می‌گردد.
ج) مراد از تاریخ در کلمات فقهاء، زمان وقوع یک پدیده است. مثلاً گفته می‌شود: تاریخ هر یک از **طهارت** یا **نجاست** آب، یا **معلوم** است و یا **مجهول** و مراد، زمان **حدوث** طهارت یا نجاست است.

احکام تاریخ از بعد فقهی

(۱) **آب کَر** که قبلاً **قلیل** بوده یا آب قلیلی که سابقه ی **کَر** بودن داشته است، اگر با نجاستی **ملاقفت** کند، به لحاظ معلوم یا مجهول بودن تاریخ، چهار صورت پیدا می‌کند:
الف. تاریخ **حدوث کَریت** یا **قَلت** و نیز **ملاقفت**، معلوم است.
ب. تاریخ هر دو **مجهول** است.
ج. تاریخ **حدوث کَریت** یا **قَلت**، معلوم و زمان ملاقفت، مجهول است.
د. عکس صورت سوم.

حکم صورت نخست(الف) روشن است. مثلاً اگر تاریخ ملاقفت پس از حدوث کَریت آب باشد، آب، محکوم به طهارت است.
طهارت و **نجاست** آب در صورت دوم(ب) اختلافی است. **مشهور** قائل به **طهارت** آن هستند.
در دو صورت آخری(ج و د) نیز این اختلاف مطرح است.

[۱] العروة الوثقی (ج)، ج ۱، ص ۸۴ تا ۸۵

[۲] مستمسک العروة، ج ۱، ص ۱۶۶ تا ۱۶۷

[۳] مهذب الاحکام، ج ۱، ص ۱۹۱ تا ۱۹۳

(۲) اگر **حاجی** یا **عمره** گزار عملی را که موجب **کفاره** است مرتکب شود ولی نداند که **ارتکب** این عمل قبل از **تلبیه** بوده تا کفاره‌ای بر عهده‌اش نیاید یا پس از **تلبیه** تا **کفاره** بر او **ولجب** گردد، در این فرض، اگر تاریخ هر دو یا تنها تاریخ یکی - خواه **تلبیه** یا عمل موجب **کفاره** - **مجهول** باشد، **کفاره** بر عهده او نخواهد آمد.

[۴] العروة الوثقی (ج)، ج ۴، ص ۶۷۱

[۵] مستمسک العروة، ج ۱۱، ص ۴۲۳ تا ۴۲۴

(۳) اگر برای نختری، هم **بدر** و هم **جَدِ بَدْر**ی او، هر یک **شوهر**ی برگزیند، **عقد**ی که زودتر انجام گرفته **صحیح** و **عقد** بعدی **باطل** است. اگر پدر وجد، در سابق بودن **عقد** با یکدیگر اختلاف کنند و هر یک **مَدعی** مقدم بودن زمان **عقد** خویش باشد، در صورت معلوم بودن تاریخ یکی و **مجهول** بودن زمان دیگری - بنابر قول به اصل **تأخر مجهول از معلوم** که از آن بهر **اصل تأخر حدث** تعبیر می‌شود - **عقد** معلوم التاریخ، **محکوم** به **صحت** است و چنانچه تاریخ هر دو **مجهول** باشد در اینکه **عقد** **جَد**، مقدم است و یا به **قرعه** رجوع می‌شود، بحث است.

[۶] جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۱۱

(۴) از شرایط **توارث** در مرگ‌های جمعی، نامعلوم بودن تاریخ مرگ در گذشتگان از لحاظ **تقدّم** و **تأخر زمانی** است؛ بنابر این در صورت معلوم بودن تاریخ مرگ یکی از دو نفر، تنها آن که تاریخ فوتش **مجهول** است از دیگری **ارث** می‌برد.

[۷] جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۳۰۶ تا ۳۰۸

از اصول عملی، «اصل تأخر حادث» است. محل جریان آن جایی است که تاریخ وقوع پدیده‌ای، معلوم باشد. مانند؛ یقین‌ی بودن مرگ زید در روز جمعه- لیکن در مقایسه‌ی حادث آن با اجزای زمین- مثلاً روز پنجشنبه- یا با پدیده‌ی دیگری- مانند مرگ عمرو- شک در تقدم حدوث آن بر جزء یادشده‌ی زمن یا پدیده‌ی دیگر یا تأخر از آن، حاصل می‌شود. در چنین موردی گفته می‌شود: اصل، تأخر حادث (مرگ زید) از زمن مشکوک یا پدیده‌ی مجهول‌التاریخ است و نتیجه گرفته می‌شود که مرگ زید پس از روز پنجشنبه، یعنی در روز جمعه یا پس از فوت عمرو بوده است.

پانویس

۱. ↑ العروة الوثقی (ج ۱)، ص ۸۴ تا ۸۵
۲. ↑ مستمسک العروة، ج ۱، ص ۱۶۶ تا ۱۶۷
۳. ↑ مهذب الاحکام، ج ۱، ص ۱۹۱ تا ۱۹۳
۴. ↑ العروة الوثقی (ج ۴)، ص ۶۷۱
۵. ↑ مستمسک العروة، ج ۱۱، ص ۴۲۳ تا ۴۲۴
۶. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۱۱
۷. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۳۰۶ تا ۳۰۸

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

رده‌های این صفحه: [اصول عملیه](#) | [اصول فقه](#) | [حج](#) | [طهارت](#) | [فقه](#) | [نکاح](#)